

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۵/۳۰

نویسنده: سلمان رفیع شیخ
مترجم: رسول رحیم

پاکستان میلان به دادن پایگاه های نظامی به امریکا دارد

منبع: ایشیا تایمز ۲۹ می ۲۰۲۱



اسلام آباد به طور علنی می گوید که به هیچ سرباز خارجی در خاکش اجازه نمی دهد، اما اقداماتی در شرف تکوین استند که به وزارت دفاع ایالات متحد امریکا چنین امکاناتی را بعد از بیرون رفتن از افغانستان فراهم سازد. همزمان با جریان بیرون رفتن نیروهای امریکائی از افغانستان، گمانه زنی هایی در حال پیدایش اند که ایالات متحد امریکا و پاکستان در صدد بهبود مناسبات نظامی شان می باشند. این یک توافق استراتژیک مجدد است که می تواند حساسیت (آنتن) هم چین و هم هند را بیفزاید.

وزارت دفاع ایالات متحد امریکا اعلام نموده است که در صدد پایگاه های نظامی در منطقه می باشد تا افراط گرایی اسلامی و تروریسم ضد امریکائی را تحت نظارت قرار داده و از ظهور مجدد افغانستان به مثابه کانون افراط گرایی اسلامی و تروریسم ضد امریکائی نظارت و جلوگیری نماید.

این پایگاه ها همچنان می خواهد برای ایالات متحد امریکا یک مانع استراتژیک را در برابر پرکردن خلایق فراهم سازد که توسط یک افغانستان - ارچند نه کاملاً به رهبری طالبان - بعد از عزیمت نیروهای امریکائی به وجود آید. در حالی که ایالات متحد امریکا تاکنون تأیید نکرده است که به کدام پایگاه جدیدی در آسیای میانه دسترسی یافته است، پاکستان با توجه به اینکه ایالات متحد امریکا در بخش عمده دوره ۲۰ سال "جنگ با ترور" از پایگاه هایی در آن کشور استفاده می نموده، به حیث یک نامزد عمده ظهور می نماید.

یک چنین اقدام مناقشه برانگیز خواهد بود و مستلزم به کار بردن یک زبان نوالمعین برای مردم عام پاکستان است. وزارت خارجه پاکستان به طور علنی رسیدن به کدام "توافق جدید" با نظامیان امریکائی برای استفاده از پایگاه را رد کرده است.

در ۱۱ ماه می شاه محمود قریشی وزیر خارجه پاکستان به رسانه ها در اسلام آباد گفت: «ما به سربازان و پایگاه های نظامی در خاک ما اجازه نمی دهیم.» در عین زمان پاکستان تأیید نموده است که چارچوب اساسی برای حمایت

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

هوائی و زمینی از نیروهای ایالات متحد آمریکا که در گذشته در سال ۲۰۰۱ امضا شده بود، معتبر باقی مانده است.

دوباره فعال شدن این چارچوب هائی که اکنون غیر فعال می باشند، دوباره پاکستان را در مدار ایالات متحد آمریکا قرار می دهد، امکانات مالی جدید و سود های ستراتژیک را به رویش می گشاید.

در جریان "جنگ با ترور" عین همین "خطوط مواصلاتی هوائی (ALOC)" و "خطوط مواصلاتی زمینی (GLOC)" بودند که همکاری نظامی گسترده را بین دو جانب فراهم ساختند.

چنانکه، یک بخش نهایت مهم این "خطوط مواصلاتی هوائی (ALOC)" در آن وقت پرواز هواپیماهای بی سرنشین بود که از "پایگاه هوائی شمسی" در ایالت جنوب غربی بلوچستان در پاکستان پرواز کرده و مواضع جنگجویان را در افغانستان در هم می کوبید.

با اینهم، در یک حادثه در سال ۲۰۱۱ که نیروهای ناتو دو پسته مرزی پاکستان را مورد آتشباری قرار دادند، که به دلیل وقوع آن در منطقه سلاله به نام "حادثه سلاله" مشهور است و در آن ۲۸ سرباز پاکستانی کشته شده و اعتراضاتی را در سطح ملی به وجود آورد، منجر به آن شد که ایالات متحد آمریکا پایگاه شمسی را تخلیه و راه تدارکاتی ناتو در پاکستان مسدود شود.

بعد تر، این روابط ستراتژیک هنگامی بیشتر خراب گردید و ادعا می شود که تا هنوز بهبود نیافته است که افشا شد اسامه بن لادن رهبر القاعده که به طور پنهانی نزدیک به یک پایگاه نظامی منزل گزیده بود و توسط یک ماموریت کشتار آمریکایی مخفیانه به قتل رسیده است و این امر به طور موثری حاکمیت پاکستان را تخطی نموده است.

این حوادث و برداشت موکد ایالات متحد آمریکا دایر بر اینکه پاکستان از طالبان و و انگیزه های اسلام گرایانه شان دفاع می کند، موجب عقبگرد در مناسبات نظامی دو کشور گردید که در طی یک دهه گذشته فراز و فرود هایی داشته است، در حالیکه افسران پاکستانی پیوسته در اکادمی های نظامی بسیار مشهور آمریکایی شرکت می کرده اند.

همکاری ها در "جنگ با ترور" پاکستان را تا سطح یک متحد ارشد غیر ناتو در سال ۲۰۰۴ ارتقا داد و فواید و امتیازات متعدد نظامی و مالی برایش فراهم کرد. این امر دسترسی پاکستان را به تسهیلات صندوق بین المللی پول آسان نمود.

در فاصله بین سال های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۸، پاکستان جمعاً ۲۳ میلیارد قرضه و گرانت (عطیه) از صندوق بین المللی پول و سائر آژانس های بین المللی به دست آورد. از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ پاکستان ۱۴ میلیارد دالر دیگر به شمول یک بسته نجات ۷,۶ میلیارد دالری از صندوق بین المللی پول به دست آورد.

دسترسی پیدا کردن به منابع چنین وجوه پولی به طور غیر مستقیم مرتبط با حمایت مداوم پاکستان از جنگ ایالات متحد آمریکا با ترور بود. هنگامی که در سال ۲۰۱۸ ترامپ کمک های نظامی به پاکستان را حذف نمود، این به دلیل فقدان همکاری پاکستان و اقدامات غیر قاطع پاکستان علیه گروه های طالبان مستقر در پاکستان بود.

یک دوباره فعال شدن این چارچوب ها با توجه به بافت حاضر قضایا، می تواند به ایالات متحد آمریکا دسترسی به پایگاه های نظامی پاکستان را برای پرواز هواپیماهای بی سرنشین به هدف کوبیدن اسلام گرایان در افغانستان بدهد، اما در عین زمان می تواند ادغام مجدد پاکستان با ایالات متحد آمریکا را نیز ممکن گرداند.

چنانکه پنتاگون یا وزارت دفاع ایالات متحد آمریکا تائید نموده است، در حال حاضر ایالات متحد آمریکا با پاکستان در مورد پایگاه ها در حال گفت و گو است. اسلام آباد قبلاً توافق نموده است تا به ایالات متحد آمریکا « امکانات پرواز» را برای حمایت از ماموریت اش در افغانستان فراهم سازد. این بیانگر قصد خود پاکستان برای ایجاد یک مشارکت جدید با ایالات متحد آمریکا می باشد.

هنگامی که شاه محمود قریشی وزیر خارجه پاکستان در بازدید اخیرش از ایالات متحد آمریکا با اعضای مجلس نمایندگان آمریکا ملاقات نمود، فشرده ای از بینش اسلام آباد در مورد "مشارکت وسیع ستراتژیک" را ارائه نمود که متضمن منافع هر دو کشور از جمله در افغانستان باشد.

در دیدار اخیر مشاوران امنیت ملی هر دو کشور در ژنف، هر دوی آن ها توافق نمودند که « همکاری های عملی را به جلو ببرند.»

موید یوسف مشاور امنیت ملی پاکستان، به مثابه معاون رئیس برای بخش آسیا "بنیاد صلح" که یک نهاد مورد حمایت حکومت آمریکا در واشنگتن می باشد، نه تنها با تعامل طولانی اش با سیاست های ایالات متحد آمریکا آشنا می باشد، بلکه از مدت های طولانی به اینسو جانبدار ایجاد مناسبات بهتر بوده است .

زمانی که در ۱۸ می، عمران خان صدراعظم پاکستان، مشاور امنیت جدیدش را تائید نمود، تحلیل گران گفتند که این بیانگر جدیت پاکستان در دنبال کردن یک مشارکت جدید با ایالات متحد آمریکا می باشد. از سال ۲۰۱۹ به اینسو، او به حیث دستیار ویژه برای امنیت ملی با صدراعظم کار کرده است. این نشست مشاوران امنیت ملی پس از آن صورت گرفت که انتونی بلینکن وزیر خارجه ایالات متحد آمریکا قبلاً دو بار با همتای پاکستانی اش و جنرال قمر باجوا لوی درستیز یا رئیس ستاد ارتش صحبت نمود. همچنان به عین ترتیب لویید اوستین وزیر دفاع

ایالات متحد آمریکا در تماس با باجوا بوده است که اخیراً ذکر به طور موثری سیاست خارجی پاکستان را در سه سال اخیر اداره می کند.

در حالیکه ایالات متحد آمریکا برای دنبال کردن یک مشارکت جدید "عملی" با پاکستان دلایل استراتژیک خودش را دارد، اسلام آباد نیز می تواند چنین دلایلی داشته باشد. عمده ترین مسئله در میان همه، خرابی وضع اقتصادی پاکستان می باشد.

برخی تحلیلگران تاکید می نمایند که شاید این کمرونی نشان دادن پاکستان (در اعتراف به مشارکت عملی جدید با آمریکا) ناشی از آن باشد که از بیگانه شدن با چین خود داری نماید، زیرا بیجنگ متعهد شده است که بیش از ۶۰ میلیارد دلار در "دهلیز اقتصادی چین و پاکستان (CPEC)" سرمایه گذاری کند که یک طرح زیر ساختی می باشد.

اما برخی فکر می نمایند که این مانع نخواهد بود. حکومت عمران خان صدراعظم بر سر قدرت پاکستان از زمانی که در سال ۲۰۱۸ روی کار آمده است، یک برخورد بی رمق به پروژه دهلیز اقتصادی چین و پاکستان داشته است. حکومت وی برای جلوگیری از پروژه "دهلیز اقتصادی چین و پاکستان" در آن شگاف هائی (کلاه های شرعی و ادعای خلا قانونی) یافته است و قصد خود را برای «بازبینی» در آن ابراز داشته است. "کمیته مشترک همکاری"، که مشترکاً توسط چین و پاکستان ریاست شده و مسئول همه تصمیمات مربوط به "دهلیز اقتصادی چین و پاکستان" می شود، در نشست های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ کدام سرمایه بزرگ به پروژه ها اختصاص نداده است.

قبلاً دهمین نشست این "کمیته همکاری مشترک" سه بار به تعویق افتاده است، زیرا، چین تمایل به تصویب قرضه ۶ میلیارد دلاری برای خط آهن اصلی (ML-۱) ندارد و همانطور که برخی منابع در اسلام آباد به آسیا تایمز گفتن، عدم تمایل بیجنگ تا حدودی به دلیل نفوذ شدید صندوق بین المللی پول بر پاکستان است که در درخواست هایش شفافیت و نظارت بیشتر در قسمت تمویل "دهلیز اقتصادی چین و پاکستان" دیده می شود. بسیاری مقامات ایالات متحد آمریکا قبلاً "دهلیز اقتصادی چین و پاکستان" و افزون بر آن طرح گسترده تر "ابتکار کمربند و راه" را یک "دام بدهی" چین خوانده اند.

با دچار مشکل شدن قبلی مناسبات پاکستان و چین و با توجه به اقتصاد پاکستان که دچار رکود ناشی از کوید - ۱۹ است، رجوع عمران خان به ایالات متحد آمریکا برای آن طرق همکاری "عملی" که بتواند دسترسی پاکستان را به ارز (اسعار) و کمک های خارجی میسر سازد، یک ضرورت اجتناب ناپذیر شده بود.

یک مشارکت تجدید شده با ایالات متحد آمریکا، همچنان می تواند در خدمت علایق مالی اردوی پاکستان باشد. پس از اجرایی شدن هجدهمین متمم قانون اساسی در سال ۲۰۱۰، که موجب انتقال منابع مالی عمده به ایالات در جهت تمرکززدایی شد، خزانه های تشکیلات نظامی کاهش یافته است. این باعث قطع دسترسی قبلاً نامحدود و کنترل نشده اردو به خزانه دولت شد. تعلیق کمک های نظامی آمریکا توسط ترامپ در سال ۲۰۱۸ به اقتصاد اردوی پاکستان نیز صدمه می رساند.

اعاده و بهبود مناسبات نظامی با ایالات متحد آمریکا نه تنها به طور قابل درکی سرازیر شدن کمک های نظامی از واشنگتن را دوباره ممکن خواهد ساخت، بلکه همچنان موجب از بین رفتن برخی از محدودیت های مالی خواهد شده که این کشور به دلیل "لیست سیاه" تدوین شده توسط آژانس ترصد مقیم پاریس به مثابه یک کشور پول شویی و تمویل تروریسم بدان مواجه شده است.

این در حالی است که در سال های اخیر هیچ گونه کاهش واقعی در هزینه های دفاعی واقعی پاکستان صورت نگرفته است، همچنان اردوی پاکستان مایل نیست اجازه کاهش هرگونه موارد غیر انکشافی یا غیر دفاعی در بودجه دفاعی را بدهد. برعکس اردو از طریق مقامات بازنشسته فعال که در رسانه های دیجیتال و اجتماعی به عنوان "تحلیلگران دفاعی" به کارش ادامه می دهد تا نیاز به افزایش بودجه را با توجه به هزینه و توانائی های نظامی رقیب هندی مورد تأکید قرار دهد.

البته باید انتظار کشید و دید که آیا اجازه دسترسی مجدد اسلام آباد به ایالات متحد آمریکا برای استفاده از پایگاه های نظامی اش، یا چنین همکاری "عملی" بی سابقه نخواهد بود. آیا احتمال آن وجود ندارد که با مقاومت دستگاه نظامی قدرت مند و اما از نگاه مالی تنگدست مواجه شود.

در حالیکه دو سال تا انتخابات پارلمانی پاکستان باقی مانده است، حکومت عمران خان احتمالاً پیشبینی خواهد نمود که چه گونه همکاری با ایالات متحد آمریکا، دسترسی اش را به کریدت های صندوق بین المللی پول، قرضه ها و عطیه های بانک جهانی فراهم سازد که موجب رشد اقتصادی گردیده و در جلوگیری از ناکامی احتمالی اش کمک نماید.

بنابراین، یک اتحاد نظامی با ایالات متحد آمریکا در دوران پسا بیرون رفتن از افغانستان برای نخبگان سیاسی و نظامی پاکستان منطقی به نظر می رسد. و این نشان می دهد که چرا آن ها بیشتر مایل اند این اتحاد نظامی جدید را به وجود آورند تا اینکه در علن در مورد آن گپ بزنند.